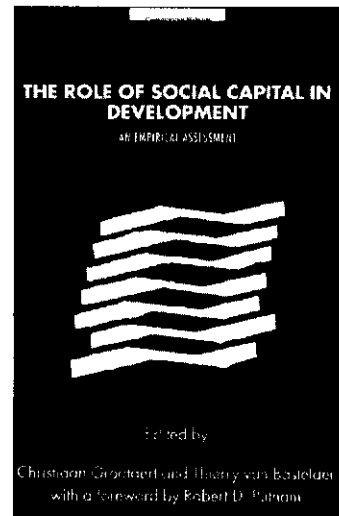


در خوب و بد سرمایه اجتماعی

عبدالله قنبرلو

دانشجوی دکتری روابط بین الملل - دانشگاه تهران



- The Role of Social Capital in Development: An Empirical Assessment
- Christian Grootaert and Thierry Van Bastelaer(eds) with a forward by Robert Putnam
- UK: Cambridge University Press
- 2002

مقدمه

در مقدمه کتاب به مفاهیم اشکال، و مکانیسمهای سرمایه اجتماعی پرداخته شده است. به لحاظ مفهومی برخلاف سرمایه مادی که مشتمل بر عناصر کمی نیروی کار تولید است، سرمایه اجتماعی به کیفیت نیروی کار تولید دلالت دارد. تقریباً در نیمه دهه ۱۹۶۰ بود که محققان به این نتیجه رسیدند که ارزش کیفی نیروی کار تولید کمتر از ارزش کمی آن نیست (ص ۱). سرمایه اجتماعی در مجموع در سه سطح خرد، میانی و کلان قابل بررسی است. در سطح خرد، نوشته‌های رابرت پاتنام (۱۹۹۳) بیشتر از همه قابل توجه است. پاتنام سرمایه اجتماعی را به صورت جوهی از سازمان اجتماعی (مثل افراد و خانوارها) و هنجارها و ارزشهای به هم پیوسته‌ای تعریف می‌کند که موجد برآیندهایی عینی برای کلیت اجتماع‌اند. (ص ۲). جیمز کلمن (James Coleman) (۱۹۹۰) در تفسیر سطح میانی از مفهوم سرمایه اجتماعی، آن را مجموعه متنوعی تعریف می‌کند که دربرگیرنده جوهی از ساختار اجتماعی‌اند و کنشهای بازیگران معین درون ساختار را تسهیل می‌کنند. در این تعریف بیشتر به روابط میان گروهها توجه می‌شود تا اینکه افراد (ص ۲). اما برخلاف این دو سطح خرد و میانی که بیشتر به روابط غیررسمی، محلی، افقی و سلسله مراتبی دلالت دارند، نگرش سطح کلان دربرگیرنده رسمی‌شده‌ترین ساختارها و روابط نهادی از قبیل رژیم سیاسی، حکومت قانون، سیستم قضایی، و آزادیهای مدنی و سیاسی است. در آثار داگلاس نورث (Douglass North) (۱۹۹۰) و مانسر اولسون (Mancur Olson) بر تأثیر تعیین‌کننده این نهادها بر نرخ و الگوی توسعه اقتصادی تأکید فراوانی شده است (ص ۳). هر یک از این سطوح ممکن است آثار مختلفی دربر داشته باشد. از طرف دیگر

یکی از متغیرهای بنیادینی که در ادبیات توسعه به آن توجه کافی نشده سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی که بنیاد نرم‌افزاری و درواقع موتور محرکه توسعه فیزیکی است، برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ به صورت نسبتاً گسترده و منظم مورد بررسی محققان مسائل توسعه واقع شد و به سرعت به حوزه‌هایی فراتر از مباحث توسعه در سطوح ملی تسری پیدا کرد. در رأس همه محققان مباحث توسعه رابرت دی پاتنام بیشتر از همه در تبیین ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی نقش چشمگیری ایفا کرده است. در مجموع تمرکز مطالعات سرمایه اجتماعی بیشتری روی مباحثی چون چیستی سرمایه اجتماعی، اثرات مثبت و منفی سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی، و نحوه تأثیرگذاری آن بر سیاستگذاری عمومی بوده است. کتاب حاضر را کریستین گروتورت (Christian Grootaert) و تی‌یری وان باستلر (Thierry Van Bastelaer) تدوین کرده‌اند و متشکل از مقالاتی است که با رویکرد تجربی به ارتباط میان دو متغیر سرمایه اجتماعی و توسعه می‌پردازد.

مباحث اساسی کتاب

کتاب نقش سرمایه اجتماعی در توسعه از سه بخش و ده فصل تشکیل شده است که هر فصل آن (یک مقاله) را محقق یا محققان صاحب‌نظر در حوزه مباحث سرمایه اجتماعی نگاشته است. پیشگفتار این کتاب را رابرت پاتنام و مباحث مقدماتی و نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آن را کریستین گروتورت و تی‌یری وان باستلر تحریر کرده‌اند.

هم تکمیلی قابل توجهی میان شاخصهای این سطوح وجود دارد که می‌تواند در حداکثر سازی تأثیر سرمایه اجتماعی بر پیامدهای اقتصادی و اجتماعی بسیار مؤثر باشد (ص ۳). در این کتاب تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه از طریق کانالهای آن در سه سطح خانوار، اجتماع، و کشور (the household, community, and national levels) ارزیابی می‌شود.

سرمایه اجتماعی دو شکل عمده دارد: ساختاری و شناختی. سرمایه اجتماعی ساختاری از سازه‌های نسبتاً عینی و قابل مشاهده‌ای تشکیل یافته است که از طریق نقش‌های جا افتاده و شبکه‌های اجتماعی‌ای که با قواعد، رویه‌ها و پیشینه‌ها تکمیل گردیده‌اند، تخصیص اطلاعات و تصمیم‌گیری و کنش جمعی را تسهیل می‌سازد. از طرف دیگر، سرمایه اجتماعی شناختی به شاخصهای ذهنی و نامحسوسی چون ارزشها، هنجارها، اعتماد، ایستارها و باورهای مشترک دلالت دارد. این دو نوع سرمایه اجتماعی می‌توانند

مکملی برای یکدیگر نیز باشند

(ص ۳). اصولاً هر نوع

سرمایه - مادی یا غیرمادی -

در بردارنده دارایی یا طیفی از

دارایی‌ها است که مولد جریانی

از سود است. جریان سودهای

ناشی از سرمایه اجتماعی - یا

کانالهایی که سرمایه اجتماعی از

طریق آنها بر توسعه تأثیر می‌گذارد

- از چندین عنصر مرتبط به هم

مثل تخصیص اطلاعات و

تصمیم‌گیری و کنش جمعی

متقابلاً سودآور تشکیل یافته

است. این سودها متناوباً

می‌توانند به درآمدهای بالاتری

برای خانوارها، اجتماعات، و ملل منجر

شوند (ص ۴).

هدف این کتاب کمک به درک

بهبتر کارکرد سرمایه اجتماعی در جوامع ناهمگون با

استفاده از چند مطالعه موردی است. چنانکه قبلاً اشاره شد، هر یک از ده

فصل این کتاب به صورت یک مقاله ارائه گردیده است که حال با نگاهی

گذرا به محتوای هر یک از مقاله‌ها، به جمع‌بندی آنها می‌پردازیم.

در فصل اول، پاول کالیر (Paul Collier) از یک چارچوب خرد /

میانی، کانالهای اعمال سرمایه اجتماعی را بررسی می‌کند. به نظر کالیر

سرمایه اجتماعی اولاً، ضمن کاهش مشکل فرصت‌طلبی از طریق تکرار

تعاملات اعتمادساز امکان شناخت درباره رفتار دیگران را تسهیل می‌کند؛

ثانیاً با کاهش نقصهای اطلاعاتی بازار، امکان تسری دانش تکنولوژی و

بازارها را تسهیل می‌کند؛ و ثالثاً با تکیه بر هنجارها و قواعد مشکل سوء

استفاده از دیگران (Free-riding) را تقلیل داده و از این رو کنش

جمعی را تسهیل می‌کند (ص ۹). البته باید توجه داشت که کنترل

سوءاستفاده ممکن است به ایجاد نهادهای رانت‌جو (از قبیل مافیای) و نیز

افزایش عرضه کالاهای عمومی منجر می‌شود (ص ۳۴). از دیگر

مشکلات سرمایه اجتماعی می‌توان به امکان اعمال تبعیض به نفع

کارکنانی از بخش عمومی که اعضای گروههای خویشاوندی مسلط

محلی‌اند و نیز امکان جنگ داخلی ناشی از پراکندگی قومی اشاره کرد

(صص ۳۵-۳۶). در مورد چگونگی و نتیجه تأثیر سرمایه اجتماعی بر فقر

نیز نمی‌توان با قاطعیت نظر داد. تقویت هنجارها و قواعد و نیز ترویج کنش جمعی میان فقرا می‌تواند عواید بیشتری را نصیب فقرا کند (ص ۳۸). با این حال از سایر ابعاد امکان اعمال تبعیض به ضرر بخشهای کم‌درآمد وجود دارد. برای مثال، معلومات نسبتاً کمتر آنها می‌تواند به محرومیت (exclusion) آنها بینجامد.

در فصل دوم، استفن نک (Stephen Knack) تأثیر متغیرهای

سطح کلان سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصادی را بررسی می‌کند. نک

بر تأثیر مکانیسمهای قانونی در اجرای قراردادها و حمایت از حقوق

شخصی و حقوق مالکیت و نیز مکانیسمهای غیررسمی (ارزشهای

عمومی، هنجارها، شبکه‌های غیررسمی، عضویت در مجموعه) مکمل یا

جانشین برای مکانیسمهای قانونی تأکید می‌کند. نک همچنین نتایج

تجربی نوینی را ارائه می‌دهد که حاکی از سیر فزاینده تأثیر سرمایه

اجتماعی است. طبق یافته‌های وی سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی

بهبودیهای متعاقب در توزیع درآمد را به دنبال دارد (ص ۹).

نک سرمایه اجتماعی را در دو شکل حکومتی

و مدنی تحلیل می‌کند. از شاخصهای

سرمایه اجتماعی حکومتی می‌توان به

قراردادها، حکومت قانون، و آزادیهای

مدنی مجاز اشاره کرد که قابلیت مردم

را برای همکاری به منظور رسیدن

به سود متقابل تحت تأثیر قرار

می‌دهند. سرمایه اجتماعی مدنی

نیز با شاخصهایی چون هنجارها،

شبکه‌های غیررسمی، عضویت‌های

مجمعی، و ارزشهای عمومی

قابلیت افراد را برای همکاری به

منظور رسیدن به اهداف

مشترک تحت تأثیر قرار

می‌دهند. آنچه این دو را به هم

پیوند می‌دهد این است که هر دو

نوع سرمایه اجتماعی با غلبه بر

مشکلات کنش جمعی روند نظم

اجتماعی را تسهیل می‌کنند (صص ۴۳-۴۲). سرمایه اجتماعی با ایجاد

اعتماد و شفافیت از هزینه‌های معاملات می‌کاهد؛ کارایی مبادله را

افزایش می‌دهد؛ تخصصی‌شدن را تشویق می‌کند؛ و سرمایه‌گذاری در

ایده‌ها، سرمایه انسانی، و سرمایه فیزیکی را تقویت می‌کند (ص ۴۳).

نک نیز همانند کالیر اثرات سرمایه اجتماعی را بر فقر به صورت

مجموعه‌ای از آثار مثبت و منفی ارزیابی می‌کند. برای مثال سنن

فرهنگی یا نهادهایی که گسترش دهنده مشارکت‌اند می‌توانند با تسهیل

نفوذ سیاسی طبقات فقیر در راستای منافع آنها عمل کنند (ص ۶۴) از

طرف دیگر، تضمین حقوق مالکیت و اجرای مؤثر قراردادها اصولاً در

راستای منافع ثروتمندان است، چرا که اغلب مالکیت‌ها به ثروتمندان

اختصاص دارد و توافقات قراردادی نیز غالباً محصول نوعی چانه‌زنی

نابرابر به نفع ثروتمندان است (ص ۶۵). در مجموع، شواهد نشان

می‌دهند که سرمایه اجتماعی مدنی با برآیندهایی چون اعتماد و

پیوندهای اجتماعی می‌تواند نقش قابل توجهی در کاهش فقر ایفا کند

(ص ۶۴) و از نهادها می‌توان برای خنثی سازی اثرات منفی سرمایه

اجتماعی حکومتی (برای فقرا) استفاده کرد. نهادها، افراد با مالکیت

ناچیز و بدون پیوندهای سیاسی را قادر می‌سازند تا در بنگاههای کوچک

دوین‌کنندگان کتاب

مطالعات موردی عمومی را

از شرایط اجتماعی مختلف گردآورده‌اند

و این برای ترک قنایت بسط‌دهنده‌ای

سرمایه اجتماعی سودمند است

ولی سوال این است که چرا این مطالعات

به سوی سرمایه اجتماعی در سطح

خرد و میانی جهت یافته است؟

روشگاه علوم انسانی و مطالعات عمومی

و نیز سرمایه انسانی سرمایه‌گذاری کنند (ص ۶۵).

در فصل سوم، انیرود کریشنا (Anirudh Krishna) و نورمن آفوف (Norman Uphoff) مطالعات میدانی خود را در مورد وضعیت سرمایه اجتماعی در طرح حفظ و توسعه آب پخشانه‌ها در راجستان هند عرضه می‌کنند. این مطالعات روی حدود ۶۴ روستای ایالت راجستان انجام شده است و نحوه مشارکت روستاها در برنامه توسعه آب‌پخشانه‌های ایالت راجستان در دهه ۱۹۹۰ را نشان می‌دهد که بانک جهانی و حکومت هند روی آن سرمایه‌گذاری کرده بودند.

هدف کریشنا و آفوف نمایش میزان تأثیر شاخصهای سرمایه اجتماعی مردم منطقه (شبکه‌های غیررسمی، نقشهای تعریف شده، انسجام، اعتماد متقابل به همراه عوامل دیگری چون رقابت سیاسی و میزان سواد در مدیریت امور آب پخشانه منطقه و توسعه آن است. آنها همچنین به این نتیجه می‌رسند که مشخصه‌های جمعیت‌شناختی و ویژگیهای اختصاصی خانوارها یعنی تحصیلات، ثروت و موقعیت اجتماعی با سطح سرمایه اجتماعی در درون خانوارها ارتباط منظمی ندارد (ص ۹۰-۹۱).

به نظر نویسندگان برای درک بهتر سرمایه اجتماعی نباید به تحلیلهای آکادمیک اکتفا کرد، بلکه درک عمیق آن مستلزم حضور در جهان واقعی است و این دو می‌توانند مکمل هم باشند.

در فصل چهارم، مارسل فافچامپس (Fafchamps Marcel) و بارت مینتن (Bart Minten) به منظور تحلیل ارتباط سرمایه اجتماعی و تجارت از عملکرد تجار کشاورزی در ماداگاسکار طی اواخر دهه ۱۹۹۰ به عنوان نمونه گواه استفاده می‌کنند.

تجار کشاورزی در ماداگاسکار توانستند با

غلبه بر سه مانع عمده ضعف نهادی بازار، هزینه‌های تحقیقاتی بالا و فقدان خدمات اطلاعاتی کافی بازده کار خود را به صورت قابل توجهی افزایش دهند. (صص ۱۲۸ - ۱۳۰ و ص ۱۵۲) موفقیت این تجار هم از جهت افزایش میزان فروش و هم از جهت افزایش ارزش محصولات قابل تأمل است.

در فصل پنجم، جانانان ایشام (Janathan Isham) و ساتو کاهکونن (Satu Kahkonen) با بررسی نمونه گواه پروژه‌های آبی جاوه مرکزی اندونزی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ اثرات سرمایه اجتماعی را تجزیه و تحلیل می‌کنند. برخی از این پروژه‌ها با موفقیت به انجام رسیدند، در حالی که برخی دیگر با شکست مواجه شدند. استدلال نویسندگان این است که در روستاهایی که سطح بالایی از سرمایه اجتماعی - به خصوص گروهها و انجمنهای فعال - را داشتند، احتمال مشارکت خانوارها بالاتر بوده است. در چنین روستاهایی، خانوارها به کار جمعی بیشتر عادت کرده‌اند و پیوندهای اجتماعی امکان سوء استفاده را کاهش می‌دهد. این قضیه به خصوص در مورد سامانه‌های آب لوله‌کشی، که وابستگی بیشتری به مشارکت جمعی دارد، بیشتر صدق می‌کند. البته ذکر این نکته لازم است که وجود مکانیسمهای کنترل

امری ضروری بوده و بدون ترتیبات کنترل‌کننده، خانوارها برای کمک و ایفای نقش انگیزه چندانی ندارند. از طرف دیگر، چنانکه در عملکرد روستائیان نیز بارز است، بدون مکانیسمهای کنترل، امکان سوء استفاده از دیگران بیشتر می‌شود (ص ۱۸۵). در مجموع، حمایت مالی بانک جهانی در این پروژه‌ها به این دلیل موفق شد که با سرمایه اجتماعی متناسب همراه گردید طراحی، برسازی، و اعمال و حفظ خدمات آبی مستلزم عمل جمعی خانوارها بود (ص ۱۷۵) و این مسئله معیار اصلی ارزیابی درجه موفقیت پروژه‌ها است.

فصل ششم که به بررسی نمونه گواه جمع‌آوری زباله‌های سخت در داکای بنگلادش از منظر سرمایه اجتماعی اختصاص دارد، و آن را سه محقق به نامهای شولی پارگال (Sheoli Pargal)، دانیل او. گیلیگان (Daniel O. Gilligan)، و مینول هاگ (Mainul Huq) تألیف کرده‌اند. در این فصل نیز نویسندگان با طرح این سؤال که چرا در برخی محله‌های داکا مدیریت خدمات جمع‌آوری زباله موفق بوده است، عامل سرمایه اجتماعی را دخیل می‌دانند که با شاخصهایی چون اعتماد و

هنجارهای معامله متقابل (reciprocity) و مشارکت (Sharing) میان ساکنان محله‌ها تعریف می‌شود (ص ۱۸۸) که در این میان نقش معامله متقابل بسیار اهمیت دارد. بعد از این شاخص، اثر مشارکت مهم است و نقش اعتماد در این پروژه در درجه سوم قرار داشته است (ص ۲۰۲). این پژوهش که روی خانوارهایی در ۶۵ محله داکا انجام شده، نشان می‌دهد که فهم همسویی و هماهنگی منافع و نقطه نظرات در تعیین سطح سرمایه اجتماعی بسیار اساسی است.

فصل هفتم به خود جریان شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌پردازد. ماری کی گوجرتی (Mary Kay Gugerty) و مایکل کرممر (Kremer Michael) در طرح این بحث کشور آفریقای کنیا در اواخر دهه ۱۹۹۰ را انتخاب کرده‌اند. هدف ایشان نشان دادن این نکته است که سرمایه اجتماعی به راحتی ایجاد نمی‌شود و تأثیر کمک مالی نیز همیشه مثبت نیست و حتی سرمایه‌گذاری در این حوزه امکان استفاده‌های رانت‌جویانه را نیز دربردارد. با این حال، اعانه‌های بیرونی ممکن است تحت شرایطی با تجویزهای منطقی برنامه‌هایی ارائه دهند که به ایجاد سرمایه اجتماعی کمک کنند (ص ۱۲). پژوهشی که یک سازمان غیردولتی هلندی روی دو گروه از دانش‌آموزان ابتدایی و زنان به عمل آورده، حاکی از آن است که در برنامه‌هایی که روی دانش‌آموزان پیاده شد، نتایج مثبتی به دست آمد به طوری که تلاش معلم (حداقل در کوتاه مدت) افزایش قابل توجهی یافت و انگیزه معلمان برای ادامه کار حتی به شکل جلسات اضافی در طول ترم بیشتر شد (ص ۲۲۲). اما در مورد زنان این نتایج خوشایند نبود (ص ۲۳۲). اصولاً اثر پروژه‌ها بر سرمایه اجتماعی با شکل کمک مرتبط است. شکل خاصی از کمک می‌تواند زمینه‌ساز رانت‌جویی شود. برای مثال، در جایی که تصمیم‌گیری معمولاً به صورت فردی یا

در قسمتهای مختلف کتاب

به سرمایه اجتماعی با اثرات مثبت

بر توسعه و اثرات منفی بر توسعه اشاره می‌شود

ولی به نظر می‌رسد به کارگیری عنوان سرمایه

برای برداشت دوم نافی مفهوم مندرج

در این واژه باشد

چرا که سوپراوری از مؤلفه‌های کلیدی

سرمایه اجتماعی است

خانواری انجام می‌گیرد (مثل تولید کشاورزی) تحمیل تصمیم‌گیری جمعی ممکن است به همان اندازه که موجد سرمایه اجتماعی است، باعث رانت‌جویی شود، اما زمانی که نهادهای ذی‌نفع زمینه عمل جمعی قوی‌تری دارند، نتایج مثبت خواهد بود (ص ۲۳۲).

در فصل هشتم که پژوهش موردی آن روی فدراسیونهای دهقانی در آندز به عمل آمده، آنتونی جی. بینگتون (Anthony J. Bebbington) و تامس اف. کارول (Thomas F. Carroll) اثرات سرمایه اجتماعی ترغیبی را بررسی کرده‌اند. فدراسیونهای مورد مطالعه سازمانهایی فراتر از اجتماع محلی‌اند (supracommunal) که گروههای اجتماع محور (community-based) را حول علائق اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی مشترک به هم پیوند می‌دهند. اهمیت آنها از توانایشان برای غلبه بر محدودیتهای گروههای محلی و ایجاد پیوند با نهادهای منطقه‌ای و ملی دور دست ناشی می‌شود روابط متحدکننده انسجام‌بخش (bonding or integrating

relationships) در درون گروه صورت می‌گیرد و تعامل و کنش جمعی درون آن را تسهیل می‌سازد، اما روابط اتصالی یا پیوندی

(bridging or linking relationships)

بین گروه و سازمانهای دیگر را تقویت می‌کند. این روابط خارجی عنصر تعیین‌کننده‌ای در تحریک این نوع سرمایه اجتماعی توسط طرفهای سوم (مثل سازمانهای غیردولتی یا حکومت) است. این فدراسیونها موجد شکل مهمی از سرمایه اجتماعی‌اند که ممکن است با اشکال هدفمندی از مداخله خارجی ترغیب یا تقویت شوند (صص ۱۲-۱۳). روابط انسجام‌بخش با چالشهایی چون

خویشاوندی، قومیت، طبقه، جنسیت، نسل و کنترل بر منابع مواجه‌اند (برای مطالعه تفصیلی این موارد مراجعه کنید به: صص ۲۴۰-۲۳۸). از چالشهای روابط اتصالی یا پیوندی نیز می‌توان به وابستگی و مشکل مشروعیت اشاره کرد (ص ۲۴۱). فدراسیونهای دهقانی آندز مجسم‌کننده نوع خاص و مهمی از سرمایه اجتماعی ساختاری‌اند، چرا که اشکال منطقه‌ای کنش جمعی را در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدیریت منابع طبیعی ممکن ساخته‌اند و اشکال هماهنگ‌تری از تعامل با حکومت، جامعه مدنی و بازیگران بازار را پدید آورده‌اند (ص ۲۷۲). در نهایت موفقیت پایدار این نهادها به ویژه در حوزه‌های خارجی مستلزم احراز هرچه بهتر شرایطی چون توسعه قابلیت‌های کنش جمعی، مدیریت دقیق منابع، شایستگی اداری، توان حل و فصل مسائل، قاعده‌مندی، جلب رضایت اعضا، شفافیت سازمانی و... است (ص ۲۷۵).

در فصل نهم نات جی. کولتا (Nat J. Colletta) و میچل ال. کولن (Michelle L. Cullen) با ارائه مطالعه‌ای موردی از کامبوج و رواندا، ارتباط میان سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی را تبیین

می‌کنند. نکته سؤال برانگیز برای نویسندگان این است که چگونه قتل‌عامهای کامبوج و رواندا، سرمایه اجتماعی را تخریب کرد و چگونه پس از پایان خصوصتها سرمایه اجتماعی در حال بازسازی است. به نظر کولتا و کولن سطوح بالای سرمایه اجتماعی در جاهایی شکل می‌گیرد که سرمایه اجتماعی عمودی، که در روابط باز و پاسخ‌گویانه میان دولت و افراد و اجتماعات تعریف می‌گردد، قوی و سرمایه اجتماعی غالب باشد. چنین جامعه‌ای فراگیرنده (inclusive) و قانونمند خواهد بود و رسانه‌های باز و حکومت سالمی خواهد داشت. برعکس، پیوندهای عمودی ضعیف همراه با سرمایه اجتماعی متحدکننده قوی (که در آن پیوندهای قومی یا خویشاوندی غالب است) به سطح پایین انسجام اجتماعی منجر خواهد گردید. مشخصه‌های چنین جامعه‌ای محرومیت (exclusion)، بی‌عدالتی (inequity)، و سرکوب (oppression) خواهد بود (ص ۱۳). بازسازی و توانبخشی فیزیکی مجدد به جامعه‌ای که دوره‌ای از آشفتگی را پشت سر گذاشته، مستلزم مصالحه اجتماعی جدید است. همچنین مشارکت و تمرکززدایی می‌تواند در عین حال که روابط متحدکننده، اتصالی و پیوندی مردم را تقویت

می‌کند، به آنها احساس کنترل بر آینده و توانایی توسعه بدهد (ص ۳۰۱). چنان که در موارد کامبوج و رواندا اتفاق افتاد، سرمایه اجتماعی طبق اقتضات مختلف، کارکردهای متفاوتی دارد. سرمایه اجتماعی هم می‌تواند به انسجام اجتماعی یاری رساند و هم علیه آن عمل کند؛ هم باعث کمک متقابل شود و هم گروهها را به خشونت علیه یکدیگر تحریک کند. در واقع سرمایه اجتماعی شمشیری دولبه است (ص ۳۰۶).

در فصل دهم رابرت اچ. بیتز (Robert H. Bates) و

ایرین یاکوولف (Irene Yackovlev) با آوردن نمونه گواه

آفریقا، در مورد قومیتها بحث می‌کنند به اعتقاد آنها نقش قومیت در انتقال جوامع از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن مبهم و متعارض است و تنوع قومی در جوامع در حال توسعه در صورتی می‌تواند مسیر رشد اقتصادی را با موفقیت طی کند که نهادینه شده باشد. مطلوب‌ترین نهادها، آنهایی‌اند که با مهار تسلط اکثریت، ترس اقلیتها از محرومیت سیاسی دائم را فرو می‌نشانند و مخالفت و اعتراض سیاسی را جایگزین خشونت سیاسی می‌سازند (صص ۳۳۱-۳۳۰).

در نهایت، گروتورت و باستلر در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کتاب مجدداً و به انحاء دیگر تأکید کرده‌اند که سرمایه اجتماعی مکمل انواع دیگر سرمایه است و بازدهی مطلوب سرمایه‌گذاری در ابعاد مختلف فیزیکی، طبیعی و انسانی شدیداً به سرمایه اجتماعی وابسته است. مطالعات موردی این کتاب نشان می‌دهد که حکومتها می‌توانند در شکل‌گیری یا افزایش سرمایه اجتماعی (غالباً نوع ساختاری آن) نقش مؤثری ایفا کنند؛ یا این حال لازم است حکومتها و سایر مجریان سرمایه‌گذاری در حوزه سرمایه اجتماعی پیش از سرمایه‌گذاری در

با وجود آنکه شاخصهای سرمایه اجتماعی

به بیسز اجتماعی بستگی دارد

ولی در مجموع سه شاخص اهمیت بیشتری

از دیگر شاخصها دارند:

عضویت در مجموعه‌ها و شبکه‌های محلی،

اعتماد و وفاداری به هنجارها و

شاخص کنش جمعی

حوزه‌های مختلف، کانالها و مکانیسمهای خاص آن حوزه را شناسایی کنند. از آنجا که بسترهای اجتماعی جوامع همسان نیستند، در نظر گرفتن شرایط بومی ضرورتی اساسی است. شاید یکی از دلایل عدم اجماع محققان بر سر تعریف سرمایه اجتماعی همین نکته باشد. نویسندگان این کتاب نیز در چارچوب بندی موضوع سرمایه اجتماعی سبک کاملاً مشترکی نداشته‌اند.

مطالعات تجربی نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی در بسیاری از حوزه‌های متعدد زندگی و توسعه بشری تأثیر عمیقی داشته است: سرمایه اجتماعی تدارک خدمات در هر دو حوزه شهری و روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چشم‌اندازهای نوینی برای توسعه کشاورزی تعریف می‌کند؛ توسعه تشکیلات اقتصادی خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به بهبود آموزش و پرورش کمک می‌کند؛ در بهبود مدیریت منابع عمومی بسیار مؤثر است؛ در فرونشاندن نزاعها تأثیر فراوانی دارد؛ و در جبران نواقص و ناکارآمدیهای دولت اثرات بسیار مفیدی دارد (ص ۳۴۴). شاخصهایی که سرمایه اجتماعی از طریق آنها توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، متفاوت‌اند و در بسترهای اجتماعی مختلف، قالبهای مختلفی به خود می‌گیرند. ستحش سرمایه اجتماعی نیز با این شاخصها انجام می‌گیرد و در مجموع سه شاخص کلی از اهمیتی اساسی برخوردارند: عضویت در مجمعه‌ها و شبکه‌های محلی، اعتماد و وفاداری به هنجارها، و شاخص کنش جمعی (ص ۳۴۶). در واقع، سرمایه اجتماعی پشتوانه‌ای نرم‌افزاری برای توسعه است و از این رو سیر موفقیت‌آمیز فرایند توسعه مستلزم سرمایه‌گذاری موفقیت‌آمیز در حوزه سرمایه اجتماعی است.

ملاحظات بر محتوای کتاب

مبحث سرمایه اجتماعی طی دو دهه اخیر از مهم‌ترین مباحث مورد توجه در ادبیات توسعه بوده است. از این رو کتاب حاضر با ارائه مجموعه‌ای از چارچوبها و داده‌های نوین، کمک ارزشمندی در جهت فهم عمیق‌تر مسائل مربوط به سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با توسعه تلقی می‌شود. در ارزیابی این کتاب می‌توان از دو منظر درون‌چارچوبی و فراچارچوبی نکات سؤال برانگیزی را مطرح کرد: در حوزه درون‌چارچوبی به نظر می‌رسد ذکر سه مسئله قابل توجه باشد. اولین نکته قابل طرح به ماهیت مطالعات موردی مقالات مربوط می‌شود. چنانکه خود تدوین‌کنندگان نیز اشاره دارند، مطالعات موردی این مجموعه برای درک تفاوت بسترهای اجتماعی سرمایه اجتماعی نکات ارزشمندی دارند، ولی سؤال این است که چرا جهت‌گیری آنها بیشتر به سمت سرمایه اجتماعی در سطوح خرد و میانی است؟ به نظر می‌رسد از آنجا که مقوله توسعه بیشتر امری ملی تلقی می‌شود، لازم بود که در مطالعات موردی مقالات این کتاب روی سطح کلان سرمایه اجتماعی تأکید بیشتری می‌شد. نکته دیگر، مسئله اثرات مثبت و

منفی سرمایه اجتماعی است که در قسمتهای مختلف کتاب اشاراتی بدان شده است. اگر بخواهیم سرمایه اجتماعی را به دو شاخه سرمایه اجتماعی با اثرات مثبت بر توسعه و سرمایه اجتماعی با اثرات منفی بر توسعه تقسیم کنیم، در آن صورت به نظر می‌رسد اطلاق عنوان «سرمایه» به شاخه دوم خدشه‌پذیر باشد زیرا چنان که در خود کتاب نیز بارها اشاره گردیده، سودآوری از مؤلفه‌های کلیدی سرمایه اجتماعی است. نکته آخر اینکه تدوین‌کنندگان کتاب در قسمت نتیجه‌گیری برآنند که اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه بیشتر از ملاحظات اقتصادی و تکنیکی است (۳۴۹). به نظر می‌رسد هر یک از این دو مقوله اهمیت خاص خود را دارند و درجه‌بندی اهمیتشان اعتبار علمی ندارد.

در حوزه فراچارچوبی نیز از مناظر مختلفی می‌توان اهمیت سرمایه اجتماعی و به ویژه تأثیرات آن را بر توسعه به چالش کشید. نظر به اینکه حوزه مطالعاتی سرمایه اجتماعی از حوزه‌های مورد توجه در سرمایه‌داری لیبرال و به طور اخص رویکرد مدرنیزاسیون در مباحث توسعه است، با نگاه از چارچوب فکری

نومارکسیستیهای ساختارگرا می‌توان نقاط

کوری را در مباحث محققان سرمایه

اجتماعی پیدا کرد. از این منظر، اصولاً

توسعه کشورها تحت تأثیر قید و بندهای

ساختار مرکز - پیرامونی حاکم بر نظام

جهانی، با محدودیتهای ساختاری

مواجه است. جریان کمی نامتوازن

مبادله و نیز سطح کیفی نابرابر

کالاهای مبادلاتی (که غالباً به

مبادله مواد خام پیرامون و با مواد

صنعتی مرکز اشاره دارد) توسعه

کشورهای پیرامونی را با

موانعی مواجه ساخته است که در

مورد مهار آنها با توسل به

ابزارهایی چون سرمایه

اجتماعی نمی‌توان با قطعیت

قضاوت کرد. بنابراین به نظر

می‌رسد سرمایه اجتماعی در بستری موفق‌تر عمل می‌کند که موانع ساختاری

کمتر باشند. همچنین اگر از منظر رئالیستی جهان را عرصه رقابت بر سر

قدرت تصور کنیم، بهتر متوجه می‌شویم که پروژه ایجاد و به کارگیری سرمایه

اجتماعی ممکن است با موانع متعدد بیرونی مواجه شود، چرا که سیاستهای

ایجابی داخلی در صورتی می‌توانند با موفقیت مسیر خود را طی کنند که با مانع

سیاستهای سلبی (چه از داخل و چه از خارج) مواجه نشوند و در نهایت از نگاه

پست‌مدرنیستی نیز می‌توان نقاط کور دیگری را در مبحث سرمایه اجتماعی

پیدا کرد. مقوله سرمایه اجتماعی از حوزه‌های تابعه مدرنیسم است و از

مفروضه‌های ضمنی آن این است که توسعه اقتصادی و مدرنیزاسیون دغدغه

اصلی انسانهاست، در حالی که از منظر پست مدرنیستی ترجیحات انسانها

متکثرند و ممکن است طبق اقتضائات زمانی و مکانی تغییر یابند. بنابراین

تقلیل دادن دغدغه‌های تمامی انسانها به مدرنیزاسیون امری خدشه‌پذیر است.

مطالب فوق دربرگیرنده بخشی از نکات سؤال برانگیزی‌اند که به

مبحث سرمایه اجتماعی وارد است. با وجود این، نکات ذکر شده در جهت

نفی سرمایه اجتماعی و اثرات مفید و سازنده آن نیست، بلکه سرنخهایی

برای تکمیل کاستیهای ادبیات سرمایه اجتماعی است.

کتاب، ادبیات سرمایه اجتماعی را

در سه سطح طبقه بندی می‌کند. در سطح خرد

آثار پانفام، سطح میانی کار کلمن و سطح کلان

کار کسائی مثل داگلاس نورث و مانس راولسون را

در بر می‌گیرد

مطالعه موردی در اندونزی نشان می‌دهد که

در روستاهایی که سرمایه اجتماعی بیشتری دارند،

سطح مشارکت خانوارها بالاتر است